سرخط

دختری با گل نیلوفر بر گیسوان

امید آرمین

زن قاب کوچک عکس را روی طاقچه گذاشت، با انگشت های لرزانش گرد و غبار روی قاب را پاک کرد. گرد و غباری که از چهار سال پیش صفحه زندگی اش را پوشانده بود و زان سال ها پیش در زیر آن محو شده بود.

آن روز دختر کوچکش چه زیبا شده بود، لباس کوچک عروس در تن نازک او چقدر برازنده بود. مادر آن شب چقدر قربان صدقه اش رفته بود و به گیسوان سیاهش یک جفت گل نیلوفر زده بود. از شادی دخترک در جشن تولد، همه شاد بودند.

چند تکه ابر در آسمان پیدا شده بود. چند روزی بود که زن پشت میله های زندان به سرنوشت دخترش فکر می کرد سه سال بیشتر نداشت، نمی دانست چرا گم شده، شنیده بود دخترک تنها برای چند دقیقه از خانه بیرون رفته بود...

-ای کاش پشت میله های زندان نبودم و می توانستم خودم نیز دنبال دخترم بگردم...

زن هر روز این را با خودش تکرار می کرد. وقتی دخترک پیدا شد، مادر یک شبه پیر شد، از وقتی که دخترک موقع ملاقات مادرش در زندان به او گفت، «دزد عروسک ها» چگونه او را آزار داده است، مادر هر لحظه می مرد و...

مرد اما غم دخترک را به گونه ای دیگر می دید. پدر آن قدر خشن شده بود که زن را رها کرد. او زن را به دلیل زندانی شدن به خاطر اعتیاد مقصر می دانست و... زن در کوچه های تنهای زندگی، با دلی تاول زده، هر شب برای عروسک دخترش لالایی می خواند، از روزی که زن، دخترش را ندیده بود سال ها می گذشت و زن فکر می کرد: -دزد عروسک ها، تنها دخترش را نبرده بود، جوانی، زندگی و همه چیز را برده بود و مادر با تمام تنهایی و خستگی، دلواپس آینده تنها دخترش بود. دختری که گل نیلوفر بر گیسوانش داشت.

عذاب وجدان قاتل فراری را تسلیم کرد

قتل یک دزد در خشم مال باخته

پسر جوان در تعقیب دزدان گوشی تلفن همراهش ناخواسته دست به قتل زد و فراری شد. این مرد که عذاب وجدان پیدا کرده بود با پای خود نزد پلیس رفت و تسلیم شد.

■ صحنه ای عجیب

شامگاه چهارشنبه ۳۰ مرداد امسال مرگ دلخراش جوان موتور سواری به ماموران کلانتری خزانه گزارش شد و تیمی از تجسس برای تحقیقات پلیسی پای در صحنه مرگبار گذاشتند.

تیم پلیسی با حضور در محل حادثه پی بردند که جوان موتور سوار بر خلاف جهت اتوبان زیر چرخ های خودروی پرشیا افتاده و در دم جان باخته است.

■ ادعاهای راننده خودروی پرشیا

راننده خودروی پرشیا که از ترس شوکه شده بود در همان محل تصادف به ماموران گفت: در مسیر خانه در حال حرکت بودم که دیدم یک موتور خلاف جهت اتوبان در حال رانندگی است و چراغ های یک خودرو پشت سر او نشان از یک تعقیب و گریز داشت.

وی افزود: جوان موتور سوار فاصله کمی با خودروی من داشت که ناگهان راننده پراید با سرعت بالا از پشت به موتور سوار کوبید و دیگر هیچ اتفاقی را نمی توانستیم کنترل کنیم و جوان موتور سوار به شدت به زمین خورد و زیر خودروی من رفت.

راننده خودروی پرشیا ادامه داد: در کنار خیابان توقف کردم و با دلهره از خودرو پیاده شدم. راننده پراید با دیدن صحنه مرگبار در حالی که توقف کرده بود به سرعت پا به فرار گذاشت و از محل دور شد و هر چه پسر موتور سوار را صدا زدم جوابی نشنیدم.

وی افزود: تنها کاری که می توانستم انجام دهم تماس گرفتن با اورژانس و پلیس بود و من در ماجرای مرگ این پسر موتور سوار بی گناه هستم.

■ تحقیقات پلیسی

به این ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس پرونده برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند و در گام نخست ماموران دوربین های مداربسته محل حادثه را مورد بررسی قرار دادند.

در این مرحله مشخص شد که اظهارات راننده خودروی پژو پرشیا صحت داشته و وی در زیر گرفتن جوان موتور سوار نقشی نداشته است.

تیم تشخیص هویت در بازرسی بدنی از جسد پسر جوان سه قمه و دو گوشی تلفن همراه به دست آوردند که در همان لحظه یکی از گوشی های تلفن همراه به صدا درآمد و با توجه به این که پدر این جوان پشت خط بود خانواده راننده موتور شناسایی شدند.

ماموران در ادامه تحقیقات پلیسی اطلاع یافتند که یک جوان دیگر پشت فرمان موتور بوده و پس از زمین خوردن موتور پا به فرار گذاشته است.

تجسس های میدانی در صحنه جرم ادامه داشت و شاهدان یک شماره پلاک از خودروی پراید را که از صحنه تصادف فرار کرده بود در اختیار ماموران قرار دادند.

وقتی شماره پلاک خودروی پراید در سامانه پلیس ثبت شد مشخص شد که پلاک متعلق به یک خودروی پژو بوده است.

■ تسلیم شدن قاتل

تحقیقات پلیس برای دستگیری راننده پراید ادامه داشت تا این که پسر جوانی با حضور در اداره پلیس خود را به عنوان راننده پراید که در اتوبان آزادگان با یک جوان موتور سوار تصادف مرگبار داشته است، معرفی کرد.

احسان به ماموران گفت: روز حادثه در کنار خیابان توقف کرده بودم و در حال نوشتن پیامک بودم که ناگهان دو جوان موتور سوار به من نزدیک شدند و در یک چشم بر هم زدن اقدام به سرقت گوشی تلفن همراهم کردند.

وی افزود: داخل گوشی تلفن همراهم تصاویر و فیلم های خصوصی زیادی داشتم به همین دلیل به سرعت پشت فرمان خودرویم نشستم و آن ها را تعقیب کردم.

پسر جوان ادامه داد: دو پسر جوان با حرکات مارپیچ و با سرعت زیاد سعی می کردند فرار کنند و من نیز سایه به سایه آن ها را تعقیب می کردم تا این که در اتوبان آزادگان به دلیل شلوغی اتوبان ناگهان سرعتشان را کم کردند و من هرچه پایم را روی ترمز فشار دادم خودرو متوقف نشد و از پشت به موتور دزدان زدم که موتور با خودروی پرشیا برخورد کرد و آن ها روی زمین افتادند.

احسان گفت: بعد از این حادثه راننده موتور پا به فرار گذاشت و من که در کنار اتوبان توقف کرده بودم خواستم به پسر جوان کمک کنم که دیدم سر نشین عقب موتور به شدت زخمی شده و از ترس سوار بر خودرو شدم و پا به فرار گذاشتم.

پسر جوان ادامه داد: در این مدت عذاب وجدان داشتم و باور کنید قصد نداشتم باعث مرگ آن ها شوم و فقط می خواستم گوشی تلفن همراهم را پس بگیرم.

وی افزود: بعد از چند روز وقتی فهمیدم پسر جوان فوت کرده است دیگر آرامش نداشتم و هر روز عذاب وجدان داشتم و فکر می کردم راننده پژو پرشیا که در این حادثه بی گناه بود دستگیر شده است به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را تسلیم پلیس کنم.

بنا بر این گزارش، احسان به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

■ تحلیل کارشناس

مال باختگانی که یک شبه قاتل می شوند

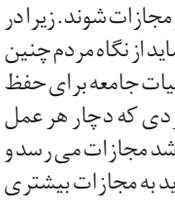

علی رامبد- حقوقدان

در پرونده هایی که سرقت رخ می دهد و مال باخته در تعقیب فرد سارق مرتکب درگیری و نزاع یا حتی قتل می شود باید به چند شاخصه مهم اشاره کرد. نخست این که چرا فرد مال باخته در این شرایط باید مجازات و مجرم شناخته شود؟ نکته مهم دیگر این که برخی این نوع موارد را عادلانه نمی دانند و به همین دلیل است که خودسرانه و بدون اطلاع از عواقبی که در انتظارشان است سارق را تعقیب می کنند و در اولین فرصت فراهم شده با او درگیر می شوند که ممکن است منتهی به قتل و جنایت های هولناک شود. خوشبختانه در قانون در مباحث جزایی برای هر عملی که رخ می دهد و جرم تلقی می شود مجازات های جداگانه ای در نظر گرفته شده طبیعتا برای فردی که مرتکب سرقت شده است نیز در قانون مجازات مشخصی وجود دارد و قانون گذار برای او حد تعیین می کند و چنان چه مجازات خاص تلقی شود قانون گذار نیز عمل وی را در شرایط حد تلقی نمی کند و شرایط تعزیری مانند حبس و زندان برای مجرم در نظر می گیرد. بنابراین هر فردی که مرتکب سرقت می شود قانون گذار بر اساس نوع سرقتی که انجام داده مجازات وی را تعیین کرده است و او را محکوم می کند اما در برخی موارد دیده می شود مال باخته به صورت شخصی و فردی با سارق درگیر می شود که برخوردهای فیزیکی بین آن ها سبب فوت یا به قتل رسیدن سارق می شود که در چنین شرایطی قتل عمد به شمار می رود و مجازات سنگین تری در انتظار فرد مال باخته است. در حالی که تعقیب و گریز و دستگیری سارقان به عهده مراجع قضایی و نیروی انتظامی است و هیچ فردی نباید تصمیم گیری فردی داشته باشد و خود شخصا به جست وجوی سارق بپردازد. به هر حال در چنین شرایطی دفاع از خود و عصبانیت پذیرفته نیست و قانون از این مال باختگان که انتقام شخصی می گیرند حمایت نمی کند. نقص عضو، وارد کردن جراحات و قتل عمد اعمال مجرمانه ای به شمار می رود که هر کدام مجازات های تعیین شده ای دارد و افراد نمی توانند به راحتی ثابت کنند که در دفاع از حق خود مرتکب قتل شده اند و معاف از مجازات شوند. زیرا در این قبیل حوادث دو جرم مجزا رخ داده است. شاید از نگاه مردم چنین احکامی ناعادلانه تلقی شود در حالی که مقتضیات جامعه برای حفظ امنیت و نظم این شرایط را می طلبد. چون فردی که دچار هر عمل مجرمانه ای شده است از سوی قانون گذار به اشد مجازات می رسد و مال باخته نمی تواند ادعا کند که فرد مقابل باید به مجازات بیشتری محکوم شود به هر حال تحت هر شرایط رخ داده دستگیری سارقان در حیطه کاری و شغلی مقامات قضایی است و مال باخته نمی تواند تصمیم شخصی بگیرد. البته باید گفت اثبات دفاع مشروط در چنین پرونده هایی برای تبرئه از قتل عمد کار دشواری است و در موارد خاص و استثنا صورت می گیرد و اغلب شهروندان به دلیل آگاهی نداشتن از قوانین تصور می کنند می توانند سارق را هدف ضرب و شتم قرار دهند و یا در نهایت به قتل برسانند گاهی اوقات دیده می شود جای مال باخته و مجرم تغییر می کند و در برخی حوادث مجرمان و متهمان از مال باخته بیشترین شکایت را دارند.

خواستگار باید دیه پرداخت کند

آتش افروزی مرگبار به خاطر دعوای زنانه

خواستگار شرور در اقدامی هولناک پدربزرگ دختر مورد علاقه اش را زنده زنده در آتش کشت. این قاتل آتش افروز قصاص نمی شود اما پولی برای پرداخت دیه هم ندارد.

■ انتقام جویی

آرش ۲۵ ساله که چندین سابقه شرارت و درگیری در پرونده اش دارد دوم اردیبهشت ۹۳ به دنبال آتش سوزی عمدی در محله قلعه مرغی تهران باعث سوختن پدربزرگ دختر مورد علاقه اش و مرگ وی و همچنین سوختگی های سطحی دو پسر قربانی شد.

■ در دادگاه

خواستگار شرور در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که فرزندان قربانی برای وی حکم قصاص خواستند. در این جلسه پسربزرگ مقتول گفت: آرش خواستگار خواهرزاده ام به نام نیلوفر بود. من در خانه پدری ام خواب بودم که سر و صدا شنیدم. وقتی مقابل در خانه رفتم آرش را که پسر همسایه مان بود در حالی که قمه در دست داشت دیدم. همان موقع پدر و برادرم به سمت آرش رفتند و او قمه اش را به زمین انداخت و یک بطری بنزین را آتش زد و به سمت ما پرتاب کرد. من از ناحیه دست و برادرم از ناحیه کمر دچار سوختگی شدیم اما شدت سوختگی پدرمان زیاد بود. او به بیمارستان منتقل شد اما چند روز بعد جان سپرد. ما هنوز نمی دانیم آرش با چه انگیزه ای مقابل در خانه پدرمان آمد و قصد آتش زدن آن جا را داشت. سپس پسر جوان به دفاع از خود پرداخت و گفت: باور کنید قصد کشتن پدربزرگ نیلوفر را نداشتم. من فقط برای این که آن ها را بترسانم با گالن بنزین مقابل خانه شان رفتم ولی بنزین یک باره آتش گرفت و پدربزرگ نیلوفر دچار سوختگی شدید شد.

■ تبرئه از قتل عمدی

در پایان جلسه قضات آرش را از قتل عمدی تبرئه و وی را به جرم قتل شبه عمد به پرداخت دیه و زندان محکوم کردند. به این ترتیب آرش با قرار وثیقه آزاد شد تا بتواند دیه را بپردازد ولی به دلیل شرکت در یک نزاع دسته جمعی در سال ۹۳ بار دیگر دستگیر شد و به زندان افتاد.

پولی ندارم

وی درخواست اعسار را مطرح کرد و از قضات دادگاه کمک خواست. مرد آتش افروز دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان زاده و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. آرش در تشریح جزییات ماجرا گفت: من به نیلوفر علاقه مند بودم و به خواستگاری اش هم رفته بودم تا این که مادر او با من تماس گرفت و گفت مادرم به او حرف های نامربوط زده است. همان موقع از مادرم گله کردم اما او گفت حرفی به مادر نیلوفر نزده است. می خواستم مقابل در خانه شان بروم و ماجرا را پیگیری کنم که از مقابل در خانه سر و صدایی شنیدم. چون چند ساعت قبل به خاطر نیلوفر با چند پسر جوان درگیر شده بودم گمان کردم پسران جوان برای انتقام جویی مقابل در خانه مان آمده اند. شمشیر تزیینی را که روی دیوار اتاق داشتم برداشتم و مقابل در خانه رفتم اما ناباورانه با پدربزرگ و دایی های نیلوفر روبه رو شدم. من شمشیر را زمین انداختم اما آن ها شروع به ناسزا گویی کردند، می گفتند مادرم پشت سر نیلوفر حرف های نامربوط زده است. آن ها به سمت من حمله کردند و من برای دفاع از خودم بطری بنزینی را که در حیاط داشتیم آتش زدم و به سمت شان پرتاب کردم اما باور کنید هرگز فکر نمی کردم این ماجرا باعث مرگ پدربزرگ نیلوفر شود. وی ادامه داد: می دانم در زندگی ام اشتباهات زیادی مرتکب شده ام. تا زمانی که در زندان باشم نمی توانم دیه را بپردازم. هیچ دارایی ندارم. به همین دلیل از قضات تقاضا دارم تا با تقسیط دیه موافقت کنند. چنان چه آزاد شوم کار می کنم و دیه را قسطی می پردازم. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: تنها برادرم دو ماه مانده به ازدواجش در تصادف رانندگی کشته شد. خواهرم به بیماری سرطان مبتلا شده و همه امید پدر و مادرم به من است تا آزاد شوم. از دادگاه تقاضا دارم به خاطر پدر و مادر پیرم با تقسیط دیه موافقت کنند تا از زندان آزاد شوم و کار کنم و دیه را بپردازم. در پایان جلسه هیئت قضایی وارد شور شدند تا درباره درخواست این متهم اظهار نظر کنند.

این متهم پسرش را قاتل معرفی کرد

دفاع عجیب یک مرد در قتل همسرش

**مردی در دسیسه ای مخوف همسرش را کشت و دست به صحنه سازی گمراه کننده زد. این مرد با باز گذاشتن شیر گاز آشپزخانه قصد گمراه کردن پلیس را داشت اما لو رفت. صبح ششم شهریور سال ۹۷ به دنبال تماس زن جوانی پلیس تهران از حادثه ای شوم مطلع شد. این زن که با پلیس تماس گرفته بود به ماموران گفت: دقایقی قبل مرد همسایه با فریاد از ما کمک خواست. او می گفت همسرش به دلیل استنشاق گاز جان سپرده است. چون پرستار هستم خودم را به خانه آن ها رساندم و با جسد زن ۴۲ ساله به نام سهیلا روبه رو شدم. مأموران پلیس به این خانه در تهران پارس رفتند و پیگیر ماجرا شدند. شوهر سهیلا به مأموران گفت: صبح برای هواخوری به پارک پروین رفته بودم اما وقتی به خانه برگشتم متوجه شدم شیر گاز آشپزخانه باز است و همسرم خفه شده است. من بلافاصله به همسایه مان که پرستار است خبر دادم اما او گفت کار از کار گذشته است. به نظرم همسرم خودکشی کرده است. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد اما وقتی کارشناسان اعلام کردند وی به دلیل انسداد مجاری بیرونی تنفسی جان سپرده و احتمالا خفه شده است، پرونده رنگ و بویی جنایی پیدا کرد و همسر ۵۴ ساله این زن به نام رضا تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد که سعی داشت پلیس را گمراه کند به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد. وی گفت: مدت ها بود با همسرم اختلاف داشتم. او همیشه به من بی احترامی می کرد. رفتارهایش تا جایی پیش رفته بود که پسر بزرگم هم برایم احترامی قائل نبود و به حرف هایم گوش نمی داد. همسرم حتی با من صحبت نمی کرد و پسرم از من خواسته بود تا خانه را ترک کنم. من از این وضعیت خسته شده بودم. حتی مدتی پیش همسرم مرا کتک زد که سرم به میز تلویزیون برخورد کرد و زخمی شد. متهم در تشریح جزئیات جنایت توضیح داد: پول هایم دست همسرم بود. آخرین بار از او پول خواستم اما او شروع به داد و فریاد کرد به همین دلیل با هم درگیر شدیم. پسرم به محل کارش رفته بود که برای هواخوری به پارک پروین رفتم اما آن جا بود که تصمیم به قتل همسرم گرفتم. وقتی به خانه برگشتم سهیلا خواب بود. شیر گاز خانه را باز گذاشتم و به پارک برگشتم. چند ساعت بعد وقتی به خانه رفتم همسرم بیهوش شده بود. من با دستمال آشپزخانه او را خفه کردم. سپس به همسایه ها اطلاع دادم تا همه فکر کنند همسرم دست به خودکشی زده است. به دنبال بازسازی صحنه جرم وی در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز برگزار شد پدر و مادر قربانی درخواست قصاص را مطرح کردند و گفتند به هیچ قیمتی از خون دخترشان گذشت نمی کنند. دو پسر قربانی نیز برای پدرشان قصاص خواستند. وقتی متهم روبه روی قضات ایستاد ادعای عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: من همسرم را نکشتم و تحت فشار به قتل اعتراف کردم. پسرم قاتل مادرش است. متهم ادامه داد: پسرم می خواست تا خانه ام را به نام او سند بزنم. او همچنین چندبار خواسته بود تا املاکی را که در تبریز دارم بفروشم و به او بدهم اما چون موافقت نکردم کینه مرا به دل گرفت. او مادرش را کشت تا از این طریق از من انتقام بگیرد. پسرم خواسته تا به زندان بیفتم و در این مدت اموالم را تصاحب کند. باور کنید من قاتل نیستم.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۵۰۶ و شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۵۵۳۹ و سرمایه ثبت شده ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت می رساند، جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده این شرکت راس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۴ در محل تهران خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان شهید رشید یاسمی، شرکت مادرتخصصی توانیر، سالن کنفرانس دفتر مجامع عمومی و نظارت مالی تشکیل خواهد شد. لذا از سهامداران محترم دعوت بعمل می آید که خود و یا نماینده رسمی آنان در موعد مقرر در جلسه یادشده حضور یابند.

دستور جلسه: - انتخاب عضو علی البدل هیئت مدیره

رئیس هیئت مدیره

www.kedc.ir

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

آگهی تجدید مناقصه عمومی واگذاری امور اداره و ارائه خدمات سراهای (خوابگاه های) دانشجویی دانشگاه بجنورد

دانشگاه بجنورد در نظر دارد نسبت به "انجام امور اداره و ارائه خدمات سراهای (خوابگاه های) دانشجویی دانشگاه و سایر امور محوله بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه" خود در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ را به صورت حجمی و از طریق مناقصه عمومی به مدت نه ماه شمسی به شرکت های خدماتی دارای رتبه بندی و طرح طبقه بندی مشاغل کارگری مورد تائید وزارت کار و امور اجتماعی واگذار نماید. برای دریافت اسناد مناقصه واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (پانصد هزار ریال) به شماره حساب ۲۱۷۸۷۱۱۸۰۴۰۰۶ به نام درآمدهای اختصاصی دانشگاه بجنورد نزد بانک ملی ضروری است. مهلت دریافت اسناد مناقصه: پنج روز کاری پس از چاپ آگهی. مهلت تحویل اسناد مناقصه: ده روز کاری پس از آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه. اسناد تحویل شده پس از اتمام ساعت اداری موعد مقرر پذیرفته نشده و وجاهت قانونی نخواهد داشت. محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: خراسان شمالی، بجنورد، کیلومتر ۴ جاده اسفراین، دانشگاه بجنورد، سازمان مرکزی، دبیرخانه مرکزی

تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پانصد و شصت میلیون ریال) برای واریز به حساب IR ۵۱۰۱۰۰۰۴۰۰۱۰۸۷۱۰۶۳۷۷۵۷۳ به نام سپرده های دانشگاه بجنورد نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به نفع دانشگاه بجنورد، به مبلغ مذکور و به تاریخ اعتبار سه ماهه از زمان تسلیم آن. ضمناً رؤیت و دریافت اسناد فقط از طریق سایت دانشگاه بجنورد به آدرس اینترنتی: http://ub.ac.ir امکان پذیر است و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بجنورد